

جامعہ شناسی مجازات

گردآوری و تالیف

سید نظری



اسلامت آردن

سرشناسه	: نظری، حامد، ۱۳۶۴
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه شناسی مجازات / تألیف: حامد نظری
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص.
شابک	: ۹ - ۵۴۹ - ۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۲۷
موضوع	: مجازات - جنبه های اجتماعی
موضوع	: Punishment - Social aspects
موضوع	: جامعه شناسی جنایی - مجازات - ایران
موضوع	: Crime - Sociological aspects - Punishment-Iran
رده بندی کنگره	: HV ۸۴۹۳ / ج ۶ ن ۱۳۷
رده بندی دیویی	: ۳ / ۶۰۱
شماره کتابخانه ملی	: ۱۳۰۱۷



جامعه شناسی مجازات

گردآوری و تألیف: حامد نظری

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

۱۶۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: www.Arannashr.ir

ایمیل: Arannashr@yahoo.com

فهرست مطالب

۶	مقدمه مؤلف
۱۲	بخش اول: توجیهات فلسفی مجازات
۱۳	مسئله مجازات: طرح یک مسئله فلسفی
۱۵	مفهوم مجازات
۱۷	ترجیح فلسفی مجازات
۲۰	فصل اول: دیدگاه فایده گرایی
۲۲	بازدارندگی
۲۵	اصلاح و بازپروری
۲۸	ناتوان سازی
۳۲	فصل دوم: دیدگاه سزاگرایی: امیل کانته
۳۶	استحقاق
۴۱	فصل سوم: دیدگاه تلفیقی به مجازات
۴۱	فلسفه تحلیلی
۴۳	تعهدات یا وظایف حقوقی: هربرت هارت
۴۷	جمع بندی بخش اول
۴۹	بخش دوم: نظریه های جامعه شناسی مجازات
۵۰	فصل چهارم: جامعه شناسی حقوق و مجازات: امیل دورکیم
۵۰	مجازات و همبستگی اجتماعی
۵۲	مجازات و فرایندهای اخلاقی
۵۵	جرم و مجازات

فصل پنجم: اقتصاد سیاسی مجازات: نظریه‌های مارکسیستی.....	۶۰
اقتصاد سیاسی مجازات.....	۶۰
مجازات و اقتصاد.....	۶۱
مجازات و ایدئولوژی.....	۶۴
فصل ششم: مراقبت و تنبیه: میشل فوکو.....	۶۷
مجازات، قدرت و دانش.....	۶۷
انضباط و مجازات.....	۶۸
ابزارهای مراقبت و کنترل.....	۷۰
زندان: مثال‌واره‌ای برای سایر نهادهای اجتماعی.....	۷۱
فصل هفتم: مجازات و فرآیند متمدن شدن: نوربرت الیاس.....	۷۴
مجازات و حساسیت‌ها.....	۷۴
فرآیند متمدن شدن.....	۷۶
تأثیر ماکس وبر بر جامعه‌شناسی مجازات.....	۸۵
جمع‌بندی بخش دوم.....	۸۷
بخش سوم: دیوید گارلند و جامعه‌شناسی مجازات.....	۹۰
فصل هشتم: نقد نظریه‌های موجود.....	۹۱
نقد دیدگاه امیل دورکیم.....	۹۱
نقد دیدگاه مارکسیستی.....	۹۴
نقد دیدگاه میشل فوکو.....	۹۵
فصل نهم: پروراندن نظریه ترکیبی گارلند.....	۹۸
استفاده از نظریه‌های موجود در رابطه با مجازات.....	۹۸
فصل دهم: رویکرد چندبعدی به مجازات.....	۱۰۲

- استفاده از نظریه نوربرت الیاس..... ۱۰۲
- بایسته‌های اتخاذ رویکرد چندبعدی..... ۱۰۲
- رویکرد چندبعدی به مجازات..... ۱۰۵
- فصل یازدهم: مجازات به مثابه یک نهاد اجتماعی..... ۱۰۹
- استفاده از رویکردهای نظری در تحلیل مجازات..... ۱۰۹
- زندار به عنوان یک نهاد اجتماعی..... ۱۱۰
- نهاد اجتماعی مجازات..... ۱۱۲
- فصل دوازدهم: فرهنگ کنترل: تحلیل انتقادی نظم اجتماعی..... ۱۱۴
- طرح مسئله..... ۱۱۴
- روش‌شناسی..... ۱۱۵
- تحلیل‌های نظری..... ۱۱۶
- فصل سیزدهم: آثار دیوید گارلند در زمینه جامعه‌شناسی مجازات..... ۱۱۹
- نهاد ویژه: حکم اعدام در آمریکا..... ۱۱۹
- فرهنگ کنترل: جرم و نظم اجتماعی در جامعه معاصر..... ۱۲۰
- حبس جمعی: عوامل و پیامدهای اجتماعی (۱۹۸۱)، انتشارات سیج..... ۱۲۰
- مطالعه‌ای درباره مجازات (۱۹۹۴)، انتشارات دانشگاه آکسفورد..... ۱۲۰
- مجازات و جامعه مدرن: مطالعه‌ای در نظریه اجتماعی..... ۱۲۱
- جمع‌بندی بخش سوم..... ۱۲۲
- فهرست منابع..... ۱۲۴

مقدمه مؤلف

جامعه‌شناسی مجازات یکی از حوزه‌هایی است که در ایران و در رشته‌های جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی کمتر به آن پرداخته شده است. علت این کم‌توجهی هر چه باشد، باید این مهم را در نظر داشت که رویکرد جامعه‌شناسانه، همواره درصدد است به شناسایی ریشه‌های اصلی پدیده‌های اجتماعی بپردازد. جامعه‌شناسی مجازات در نظر دارد به این موضوع بپردازد که مجازات در صورتی که سیاست‌های جزایی، توسط چه نیروهای اجتماعی و سیاسی تعیین می‌گردد. در واقع رویکرد جامعه‌شناسانه، مجازات را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی اجتماعی می‌داند و درصدد است بداند این نهاد چگونه و تحت تأثیر چه نیروهایی شکل گرفته است، در حال حاضر چگونه کار می‌کند و چه پیامدهایی برای جامعه و زندگی اجتماعی افراد خواهد داشت.

برای شناسایی اینکه مجازات چه نقشی در جامعه ایفا می‌کند، رویکردهای گوناگونی وجود دارد؛ هر یک را این رویکردها مبتنی بر یک نظریه اجتماعی است. این نظریه‌های اجتماعی به‌مدت‌ها مبتنی بر کار جامعه‌شناسی چون امیل دورکیم، کارل مارکس، ماکس وبر و فوکو و برخی متفکران دیگر است. در این کتاب سعی شده است به بررسی مجازات از دیدگاه هر یک از دیدگاه‌های مذکور پرداخته شود. البته هر یک از رویکردهای جامعه‌شناختی به مجازات، مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص خود را دارند و نمی‌توان با ترکیب ساده آن‌ها به یک جمع‌بندی قطعی و مصرح در رابطه با مجازات رسید، اما علی‌رغم این تفاوت در مبانی، برخی از جامعه‌شناسان معتقدند که می‌توان به رویکرد تلفیقی و چندبعدی در رابطه با پدیده مجازات دست یافت، یکی از کسانی که تلاش دارد این رویکرد را پیش بگیرد، دیوید گارلند است که باوجود پیچیدگی

نظریه وی، سعی شده است به معرفی آراء وی در رابطه با مجازات پرداخته شود.

کتاب حاضر از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

بخش اول به توجیهات فلسفی مجازات اختصاص دارد. اگرچه این کتاب

در رابطه با جامعه‌شناسی مجازات است، اما آشنایی با مبانی فلسفی مجازات و توجیهات اصلی موجود در رابطه با اعمال مجازات‌ها دارای ضرورت است. این ضرورت از آن‌رو است که آشنایی با این توجیهات فلسفی علاوه بر غنی ساختن درک جامعه‌شناختی، می‌تواند ما را در دستیابی به تحلیل‌هایی عمیق‌تر از وضعیت فعلی نهاد مجازات در جامعه، پیامدهای آن و نیروهای اجتماعی شکل‌دهنده آن، یاری رساند. از این‌رو است که در این کتاب به توجیهات فلسفی مجازات نیز به صورت مجمل پرداخته شده است. در این بخش تلاش شده است تا مروری بر اندیشه‌های فلسفی و جرم‌شناختی در رابطه با توجیه مجازات، به عمل آید. علی‌رغم اینکه مجازات با درد، رنج و زیان همراه است اما در این رابطه می‌توان به ابهامات مهمی وجود داشته است که نیاز برای توجیهی اخلاقی برای اعمال مجازات را ایجاد می‌نماید. باید دانست که به لحاظ جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی قدرت مجازات همواره تابعی است از مرجعیت دولت نزد مردم برای اعمال مجازات است؛ بدین معنی که اگر مردم به مرجعیت دولت باور داشته باشند و آن را پذیرفته باشند، قوانین آن را نیز می‌پذیرند و مجازات‌های آن را نیز منصفانه می‌دانند. از این‌رو است که مردم حاضر خواهند بود این مجازات‌ها را بپذیرند، به‌اینکه بتوان به تأثیرگذاری مجازات‌ها امیدوار بود. به عبارت دیگر، مقبولیت سیاسی دولت خود می‌تواند بر مرجعیت او تأثیرگذار باشد، البته این یک گزاره تحریکی و جامعه‌شناختی است که در اینجا موضوع بحث ما نیست. آنچه در این نوشتار مطرح نظر است توجیه فلسفی مجازات است. اگر مجازات دارای توجیه باشد و بتوانیم به این پرسش پاسخ دهیم که «چرا دولت مجاز به اعمال مجازات است؟» خود می‌تواند منبعی برای کسب مرجعیت دولت جهت وضع و اعمال

مجازات‌ها باشد و دولت^۱ مجاز خواهد بود برخی امور را قانونی و برخی دیگر را خارج از قلمرو قانون تلقی نماید و برای گروهی از افراد که از قوانین تخطی می‌کنند، مجازات‌هایی را اعمال نماید. چرا؟ چون اساساً مجازات مقوله‌ای منطقی و دارای توجیه است.

فلسفه اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که تلاش دارد به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهد. این رشته بر تمایز گذاری میان آنچه «درست» و «غلط» است با آنچه «خوب» و «بد» تلقی می‌شود، تمرکز می‌کند و از این مسیر استفاده می‌کند تا راه مناسب برای مجازات را تعریف می‌کند. فیلسوف آلمانی قرن هجدهم، ایمانوئل کانت، به بهترین وجه تمایز میان امر درست و غلط با امر خوب و بد را روشن می‌سازد. درستی مبتنی بر وظیفه است. یعنی کاری که باید انجام شود. حبه مبتنی بر میل و علاقه است. یعنی کاری که دوست داریم انجام دهیم.

از نظر کانت قلمروی حقوق و مجازات مسائل مربوط به درستی است، نه مسائل مربوط به خوبی. از منظر جامعه‌شناسی نیز حقوق امکان شکل‌گیری زندگی اجتماعی را فراهم می‌سازد چون برای این زندگی قاعده تعیین می‌کند و مرزها را روشن می‌سازد و مشخص می‌کند چه چیزی درست است و چه چیزی غلط. بنابراین، یک نظام مجازات اگر می‌خواهد به لحاظ اخلاقی قابل‌پذیرش باشد باید به چنین پرسش‌هایی پاسخ دهد تا بتواند دارای توجیهی منطقی باشد. پرسش‌هایی از قبیل چه چیزی درست است؟ و چه چیز نادرست؟ چرا دولت مجازات به اعمال مجازات است؟ اساساً چرا مجازات امری منطقی و قابل توجیه است؟ و ...

مسئله مجازات یکی از بادوام‌ترین مسائل حوزه جرم و مجازات است و دغدغه همیشگی سیاست نیز بوده است. از این رو است که به یکی از زیرشاخه‌های اصلی فلسفه اخلاق نیز تبدیل شده است. بر این اساس، مسئله

^۱ در اینجا دولت در مفهوم عام State بکار رفته است و بیشتر منظور نیروی اداره‌کننده جامعه است نه مشخصاً دولت یا دولت‌هایی خاص در معنای سیاسی آن (نگارنده).

اصلی در این نوشتار مربوط به مسئله مجازات یا توجیهات فلسفی مجازات است.

در رابطه با توجیه مجازات عمدتاً دو دیدگاه اصلی مطرح می‌شود: فایده‌گرایی و سزاگرایی که در ادامه به شرح هر دیدگاه و رویکردهای مختلف هر یک پرداخته خواهد شد. اگرچه هر یک از این دو دیدگاه بر اصول متفاوتی تأکید دارند و مبتنی بر منطق و عقلانیت متمایزی هستند، اما آنچه باید به آن توجه داشت این است که در عمل هر دو دیدگاه در رویه‌های نظام‌های کیفری بکار می‌روند. از این‌رو یک دغدغه پراتیک سبب شده است تا دیدگاهی جدید برای ترکیب این دو منطق به‌ظاهر متخاصم، ایجاد شود. این دیدگاه ترکیبی مبتنی بر فلسفه تحلیلی است که در بخش اول از این کتاب به آن پرداخته شده است.

بر اساس مسئله اصلی و مباحث‌های موجود در رابطه با این مسئله، بخش اول کتاب حاضر بدین شرح سازماندهی شده است: پس از طرح یک مسئله فلسفی، تلاش شده است تا تعریف روشنی از مجازات ارائه شود. پس از آن به ارائه دیدگاه فایده‌گرایی در رابطه با توجیه مجازات و رویکردهای مختلف آن از جمله بازدارندگی، اصلاح و بازپروری و ناتوان‌سازی پرداخته شده است؛ پس از این دیدگاه سزاگرایی و رویکرد استحقاق‌شناسی شرح داده شده است و در نهایت دیدگاه ترکیبی که مبتنی بر فلسفه تحلیلی است شرح داده شده است.

بخش دوم به شرح نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک و متأخر در رابطه با مجازات می‌پردازد. اولین نظریه در این رابطه مربوط به ایتل دورکیم، جامعه‌شناس شهیر فرانسوی، است. دورکیم تلاش می‌کند رابطه حقوق، مجازات و همبستگی اجتماعی را تبیین کند. به نظر وی، حقوق بازتابنده همبستگی اجتماعی در هر جامعه‌ای است. او تلاش می‌کند با بررسی تغییرات در حقوق و مجازات‌ها نشان دهد چگونه شکل همبستگی اجتماعی در جوامع ابتدایی با جوامع مدرن متفاوت است. در جامعه‌شناسی دورکیم، جوامع بدوی

با حقوق و مجازات‌های تنبیهی و جوامع مدرن با حقوق و مجازات‌های ترمیمی شناخته می‌شوند.

مارکسیست‌ها نیز به بررسی مجازات، پیامدهای اجتماعی آن و نیروهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری مجازات پرداخته‌اند. رابطه مجازات با اقتصاد و ایدئولوژی در رویکردهای مارکسیستی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر این اساس، مجازات‌ها بر اساس منافع طبقه حاکم به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک تنظیم می‌شود و باید به نفع طبقه کارگر اصلاح گردد.

میشل فوکو، روبرت الیاس از جمله متفکران متأخری هستند که در این بخش به شرح آراء آنها در رابطه با مجازات پرداخته شده است. در نوشتار حاضر تلاش شده است با شرح خط فکر اصلی فوکو در کتاب «مراقبت و تنبیه» و شرح آراء روبرت الیاس در کتاب «فرآیند متمدن شدن» به بررسی موضوع مجازات در اندیشه این دو متفکر پرداخته شود.

بخش سوم از این کتاب به شرح آراء دیوید گارلند اختصاص یافته است. در رشته جامعه‌شناسی معرکلا پرداختن به بحث مجازات ذیل حوزه جامعه‌شناسی جرم و حقوق مطرح می‌گردد. آن پرداخته می‌شود. در رشته حقوق نیز مجازات در قالب مباحث کیفر شناسی مطرح شده است. جامعه‌شناسان شناخته‌شده کلاسیک و متأخر هر یک به تناسب موضوع و مسئله‌ای که برای تحلیل جهان اجتماعی داشته‌اند به موضوع مجازات نیز پرداخته‌اند ولی مستقیماً مجازات را به‌عنوان مسئله کانونی خود در نظر نگرفته‌اند. از این جهت است که کار دیوید گارلند در رابطه با جامعه‌شناسی مجازات، کاری منحصربه‌فرد تلقی می‌گردد. شاید بتوان گفت در میان جامعه‌شناسان تنها امیل دورکیم باشد که نهاد حقوق و مجازات را به‌صورت مفصل مورد مطالعه قرار می‌دهد، پس از او میشل فوکو در کتاب درخشان خود با عنوان «مراقبت و تنبیه» تلاش کرد به بررسی مسئله مجازات بپردازد. برای فوکو تحلیل مجازات، به‌ویژه زندان مسئله‌ای قانونی تلقی می‌شود که از رهگذر آن می‌خواهد به ماهیت جهان مدرن پی ببرد. پس از آن دیوید گارلند

است که با تأسی از نظریه میشل فوکو به تحلیل نهاد مجازات می‌پردازد. گارلند متفکری متأخر است که در حال حاضر استاد حقوق و جامعه‌شناسی دانشگاه نیویورک در ایالات متحده آمریکا است. او تاکنون آثار متعددی در زمینه تحلیل جرم، مجازات و حقوق منتشر کرده است.

معرفی اندیشه‌های دیوید گارلند از این جهت دارای اهمیت است که به ادعان بسیاری از صاحب‌نظران وی متفکری است که تحلیل‌های خاص و دقیقی از مسائل مربوط به حقوق و مجازات ارائه می‌نماید. گارلند توانسته است با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی به مسئله مجازات پرتویی تازه بر این موضوع بیفکند. وی مقالات درخشانی درباره معرفی آراء جامعه‌شناسان در رابطه با مجازات نوشته است. وی در مقاله «دیدگاه جامعه‌شناختی به مجازات» به معرفی آراء جریان‌های اصلی جامعه‌شناسی و متفکران مطرح آن در رابطه با مجازات می‌پردازد. کتاب معروف گارلند با عنوان «مجازات و جامعه مدرن» نیز دارای چنین رویکردی است و برنده دو جایزه مهم از انجمن جامعه‌شناسی آمریکا شده است.

ازجمله ویژگی‌های اصلی آراء دیوید گارلند در تحلیل مجازات این است که او سعی می‌کند پس از شرح و نقد آراء متفکران مطرح در جامعه‌شناسی، به اتخاذ رویکردی چندبعدی نسبت به پدید مجازات بپردازد. به نظر گارلند مجازات پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و چندسطحی است، که برای تحلیل آن باید چشم‌انداز نظری جدیدی را طرح کرد. وی در کتاب «فرهنگ کنترل» تقریباً چنین هدفی را دنبال می‌کند و سعی می‌کند به بررسی سیستم‌های کیفری در دو جامعه آمریکا و بریتانیا به این مهم دست یابد.

امام‌خانی

بهار ۱۳۹۷